

مسئولیت مدنی پرسنل نیروی انتظامی

(با تأکید بر رویه قضائی)

www.ketab.ir

مولفان:

بهنام باقری

قاضی دادگستری و مدرس دانشگاه

محمد مجتبی رودیجانی

قاضی دادگستری و مدرس دانشگاه

سرشناسه	: باقری، بهنام، ۱۳۵۱.
عنوان و نام پدیدآور	: مسئولیت مدنی پرسنل نیروی انتظامی (با تأکید بر رویه قضایی) / مولفان بهنام باقری، محمدمجتبی رودیجانی.
عنوان و نام پدیدآور	: مسئولیت مدنی پرسنل نیروی انتظامی (با تأکید بر رویه قضایی)
مشخصات نشر	: تهران؛ کتاب آوا، ۱۴۰۱.
مشخصات ظاهری	: ۲۸۰ ص
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۳۴۶-۶۹۰-۶
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
شناسه افزوده	: رودیجانی، محمد مجتبی، ۱۳۶۱.
موضوع	: جرایم نظامی -- قوانین و مقررات -- ایران
موضوع	: Military offenses -- Law and legislation -- Iran
رده‌بندی کنگره	: ۳۰۰۳KMH
رده‌بندی دیویی	: ۰۱۵۳۵۴/۳۴۳
شماره کتابشناسی ملی	: ۸۸۳۱۸۲۴

مسئولیت مدنی پرسنل نیروی انتظامی (با تأکید بر رویه قضایی)



مؤلفان:	بهنام باقری - محمدمجتبی رودیجانی
ناشر:	کتاب آوا
نوبت چاپ:	اول ۱۴۰۱
شمارگان:	۳۰۰ نسخه
قیمت:	۱۳۰۰۰۰ تومان
شابک:	۹۷۸-۶۰۰-۳۴۶-۶۹۰-۶

نشانی مراکز پخش: تهران، خیابان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، بن‌بست حقیقت، پلاک ۴، واحد ۴
شماره‌های تماس: ۶۶۹۷۴۱۳۰ - ۶۶۴۰۷۹۹۳ - ۶۶۹۷۴۶۴۵ - ۶۶۹۷۴۱۵۸ دورنگار: ۶۶۴۶۱۱۵۸
www.avabook.com Email: avabook_kazemi@yahoo.com
نشانی فروشگاه: اسلامشهر، خیابان صیاد شیرازی (خیابان دانشگاه)، جنب فرمانداری
شماره تماس: ۵۶۳۵۴۶۵۱

هرگونه تکثیر این اثر از طریق ارسال یا بارگذاری فایل الکترونیکی، یا چاپ و نشر کاعذی آن بدون مجوز ناشر، به هر شکل، اعم از فایل، سی‌دی، افست، ریسوگراف فتوکپی، زیراکس یا وسایل مشابه، به صورت متن کامل یا صفحاتی از آن، تحت هر نام اعم از کتاب، راهنما، جزوه، یا وسیله کمک آموزشی، در فضای واقعی یا مجازی، و همچنین توزیع، فروش، عرضه یا ارسال اثری که بدون مجوز ناشر تولید شده، موجب پیگرد قانونی است.

این کتاب با کاغذ حمایتی چاپ شده است.

فهرست مطالب

الف) مقدمه.....	۱۱
ب) تعریف موضوع و بیان مسئله.....	۱۵
ج) ضرورت، اهمیت و فایده تحقیق.....	۱۵
د) اهداف تحقیق.....	۱۷
ر) سؤالات و فرضیه‌های تحقیق.....	۱۷
ز) قلمرو پژوهش (از نظر موضوعی، زمانی و مکانی).....	۱۸
س) چارچوب نظری تحقیق.....	۱۸
ص) پیشینه تحقیق.....	۱۹
ن) روش تحقیق.....	۲۵

گفتار اول: تعریف مسئولیت مدنی.....	۲۷
گفتار دوم: تعریف مسئولیت قراردادی.....	۲۹
گفتار سوم: وجوه افتراق مسئولیت مدنی و مسئولیت قراردادی.....	۳۱
گفتار چهارم: مبانی نظری مسئولیت مدنی.....	۳۲
۱- نظریه تقصیر.....	۳۳
۲- نظریه خطر.....	۳۸
۳- نظریه تضمین حق.....	۳۹
۴- نظریه‌های مختلط.....	۳۹
۵- نظریه مختار در خصوص مسئولیت مدنی پرسنل نیروی انتظامی.....	۴۰
گفتار پنجم: انواع مسئولیت مدنی.....	۴۷

- ۴۷..... ۱- مسئولیت مدنی شخصی
- ۵۳..... ۲- مسئولیت ناشی از فعل غیر
- ۵۴..... ۳- مسئولیت مدنی ویژه
- ۵۵..... گفتار ششم: مامورین پلیس
- ۵۷..... گفتار هفتم: ضابطین دادگستری
- ۷۸..... ۱- ضابطان عام
- ۷۹..... ۲- ضابطان خاص
- ۸۱..... گفتار هشتم: مسئولیت مدنی پرسنل نیروی انتظامی با توجه به انواع مسئولیت مدنی
- ۸۳..... بند اول: مسئولیت مدنی ناشی از دستگیری غیرمجاز
- ۸۹..... بند دوم: مسئولیت مدنی ناشی از تعقیب و گریز
- ۹۱..... بند سوم: مسئولیت مدنی ناشی از تیراندازی
- ۱۰۸..... بند چهارم: مسئولیت مدنی ناشی از شکنجه
- ۱۰۹..... بند پنجم: مسئولیت مدنی ناشی از توقیف اموال اشخاص
- ۱۲۱..... بند ششم: مسئولیت مدنی ناشی از تقصیر در اجرای احکام مدنی

فصل دوم: ارکان و شرایط مسئولیت پرسنل نیروی انتظامی به عنوان مسئولیت مدنی شخصی..... ۱۲۳

- ۱۲۳..... گفتار اول: ارکان تحقق مسئولیت
- ۱۲۳..... ۱- فعل زیانبار
- ۱۲۹..... ۲- ضرر یا خسارت
- ۱۳۸..... ۳- رابطه سببیت
- ۱۴۸..... گفتار دوم: انتخاب سبب یا اسباب مسئول
- ۱۴۸..... ۱- نظریه برابری اسباب
- ۱۴۹..... ۲- نظریه سبب مقدم در تأثیر
- ۱۴۹..... ۳- نظریه سبب نزدیک
- ۱۵۰..... ۴- نظریه سبب اقوی
- ۱۵۱..... ۵- نظریه سبب متعارف
- ۱۵۲..... ۶- نظریه مختار
- ۱۵۳..... گفتار سوم: نحوه تقسیم خسارت بین اسباب مسئول
- ۱۵۳..... ۱- مسئولیت تضامنی

- ۲- مسئولیت بالمناصفه..... ۱۵۴
- ۳- مسئولیت به نسبت درجه تقصیر..... ۱۵۴

- گفتار اول: موارد و موانعی که منجر به قطع رابطه سببیت می شود..... ۱۵۷
۱. قاعده تحذیر..... ۱۵۷
۲. اضطرار..... ۱۵۸
۳. پذیرش خطر توسط زیان دیده..... ۱۶۱
۴. فعل شخص ثالث..... ۱۶۲
- ۵- فعل زیان دیده..... ۱۶۳
- ۶- تقصیر مشترک زیان دیده..... ۱۶۶
- گفتار دوم: مواردی که کیفیت عمل زیانبار موجب معافیت می شود..... ۱۶۹
۱. اعمال حاکمیت..... ۱۶۹
۲. اجرای دستورات قضایی اشخاص با نادرست..... ۱۷۰
- ۳- حکم قانون و امر آمر قانونی..... ۱۷۰
۴. دفاع مشروع..... ۱۷۹
- ۵- قاعده احسان..... ۱۸۳
- گفتار دوم: شیوه های جبران خسارت..... ۱۸۸
- ۱- جبران خسارت به وسیله پرسنل نیروی انتظامی..... ۱۹۰
- ۲- جبران خسارت به وسیله شرکت های بیمه..... ۱۹۵
- ۳- جبران خسارت به وسیله عاقله..... ۲۰۰
- ۴- جبران خسارت به وسیله دولت..... ۲۰۲
- گفتار سوم: اثر قراردادهای خصوصی و شروط در مسئولیت مدنی پرسنل نیروی انتظامی..... ۲۱۵

- گفتار اول: نقص قوانین موجود..... ۲۱۹
- گفتار دوم: عدم آموزش کافی..... ۲۳۴
- گفتار سوم: کمبود امکانات..... ۲۴۳
- گفتار چهارم: تعدد وظایف پرسنل نیروی انتظامی..... ۲۴۴

الف) مقدمه

مسئولیت، مصدر جعلی از واژه مسئول است که به یک اعتبار به معنای تعهد قانونی بر رفع ضرری است که به دیگری وارد شده است خواه این ضرر ناشی از تقصیر خود وی باشد یا ناشی از فعالیت او، البته در همین معنی در فقه ضمان را به کار برده‌اند و معنی آن هر نوع مسئولیتی است اعم از مالی یا کیفری. به عبارت دیگر تعهد پرداخت یا جبران خسارت اعم از آنکه به موجب قانون باشد یا بر حسب قرارداد، مسئولیت نامیده می‌شود. روشن است که مسئولیت پرسنل نیروی انتظامی ذیل عنوان اول تحت عنوان ضمان قانونی قرار می‌گیرد.

برای ایجاد مسئولیت مدنی (ضمان قهری) اسباب و عواملی وجود دارد که از آنها به عنوان موجبات ضمان قهری یاد می‌شود. موجبات ضمان قهری عبارتند از: ضمان ید، غرور، اتلاف، تسبیب، تعدی و تفریط، ضمان مباحضی (تلف مبیع قبل از قبض) و مقبوض به عقد فاسد. علاوه بر این برای جلوگیری از ایجاد مسئولیت مدنی و سقوط ضمان قهری برای کسی که شرایط ضمان فراهم آمده باشد اسباب و مواردی است که از آنها به مسقطات ضمان قهری تعبیر می‌گردد.

مسقطات ضمان قهری عبارتند از: قاعده احسان، قاعده استیمان، قاعده اقدام، قاعده اذن، و قاعده جب. به عبارت دیگر مسقطات ضمان قهری را می‌توان در قالب پنج قاعده فقهی بررسی نمود. در هر حال باید توجه داشت هرچند در اندیشه فقها و متون فقهی ضمان در معنای کلی هم مسئولیت مدنی و هم مسئولیت کیفری را شامل می‌شود اما میان این دو نوع مسئولیت به لحاظ گزاره‌های قانونی چه به لحاظ ماهیت و چه به لحاظ آثار و پیامد، جدایی است حتی هدف از ایجاد این دو مسئولیت نیز یکسان نمی‌باشد. در حقوق جزا چون مجرم به کاری دست زده است که از جهت نظم عمومی تحمل‌ناپذیر می‌نماید، جامعه بدین سان از خود دفاع می‌کند و متجاوز را به کیفر می‌رساند. مجازات‌های اعدام حبس و تبعید به منظور جبران خسارت عمومی و تنبه سایرین و اصلاح مجرم مقرر شده است و در همه آنها حفظ منافع عموم در نظر گرفته شده است.

در مسئولیت مدنی نیز با نقشی که بیمه‌های شخصی و تأمین اجتماعی در جبران خسارت بر عهده گرفته‌اند به تدریج سهم اصلی حقوق مسئولیت در ترساندن و پیشگیری و الزام به احتیاط خلاصه می‌شود. برای نمونه می‌توان به ماده ۲۴ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و

فرهنگی مصوب ۱۳۷۹ استناد نمود که حداقل در خصوص یک مورد ویژه و خاص یعنی واگذاری سهام شرکت‌های دولتی این دغدغه را مرتفع نمود. ماده ۲۴ قانون فوق مرقوم داشته است: دولت مکلف است مسئولیت مدنی، محکومیت جزائی مالی و قابل خرید، محکومیت به جبران ضرر و زیان ناشی از جرم و هر محکومیت قابل خرید دیگر مسئولان و مجریان امر واگذاری (منظور واگذاری سهام شرکت‌های دولتی) را در قبال خطاهای غیرعمدی آنان به مناسبت واگذاری چه به عنوان مسئولیت جمعی و چه به عنوان مسئولیت انفرادی به هزینه خود به گونه‌ای بیمه کند که بیمه‌گر کلیه هزینه‌ها و مخارجی را که هر یک از مسئولان و مجریان امر واگذاری تحت هر یک از عناوین موصوف ملزم به پرداخت آن می‌شوند، بپردازد. در ادامه خواهیم دید که نقش و جایگاه شرکت‌های بیمه و تأمین اجتماعی تا چه اندازه در مسئولیت و کارکرد پرسنل نیروهای انتظامی موثر است و آیا اساساً قانونگذار در این خصوص اهتمام لازم را داشته است.

در حقیقت در هر موردی که شخص ناگزیر به جبران خسارت دیگری باشد می‌گویند در برابر او مسئولیت مدنی دارد. لازمه داشتن مسئولیت اختیار است. انسان آزاد و عاقل از پیامد کارهای خویش آگاه و مسئول آن است. خسارت به عنوان عنصر اصلی مسئولیت مدنی موقعی مورد پیدا می‌کند که توسط دیگری به شخصی وارد شده باشد به همین دلیل کسی که اتومبیل خود را آتش زده اگر چه از نظر اقتصادی خسارت دیده است لیکن از نظر حقوقی زیان حاصله خسارت محسوب نمی‌شود.

پس از بررسی مفهوم مسئولیت و شناخت زیان و ضررهای که در زیر این عنوان جای می‌گیرد بی‌درنگ این پرسش مطرح می‌شود کدام قانون و مقرره مستندی است تا محاکم پرسنل نیروی انتظامی را در مقابل رفتار و کردار زیان‌آور خویش مسئول بدانند، علت این همه تراکم و انبوهی از پرونده‌ها که همه روزه، علیه پرسنل زحمت‌کش نیروی انتظامی تشکیل می‌شود چیست. آیا باید علت را در قانون جست یا در مجریان قانون. کدام یک را باید دنبال کرد و کدام را فرو گذاشت.

از همین رو در این پایان‌نامه بایسته است در کنار سایر موضوعات، مختصری نیز به این موضوع پرداخته شود در ابتدا جهت ورود به بحث، ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ باید مورد بررسی قرار گیرد. صدر ماده فوق مذکور بیان داشته: کارمندان دولت و شهرداری‌ها و مؤسسات وابسته به آنان که به مناسبت انجام وظیفه عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی خساراتی به اشخاص وارد نمایند، شخصاً مسئول جبران خسارت وارده می‌باشند ولی هرگاه خسارت وارده

مستند به عمل آنان نبوده بلکه مربوط به نقص وسایل ادارات و مؤسسات مزبور باشد، جبران خسارت بر عهده اداره یا مؤسسه مربوطه است.

واژه کارمندان دولت در صدر ماده فوق ترکیب اضافی است که به صورت جمع به کار رفته است و حسب ظاهر شامل کلیه اشخاص حقیقی که در دستگاه دولت به عنوان بارزترین فرد شخص حقوقی در حقوق عمومی و به معنی اعم از قوه قضائیه، مجریه و مقننه و مؤسسات وابسته به دولت به کار مشغولند، می گردد. هر چند آنچه که در بدو امر از واژه کارمند به ذهن متبادری شود کارمند رسمی دولت است ولی چون کلمه کارمند به صورت مطلق به کار رفته و مقید به قید و وصفی نگردیده و علی الظاهر اشخاصی را که به صورت گوناگون و تحت شمول کلیه قوانین و مقررات استخدامی در خدمت دولت هستند اعم از روز مزد، پیمانی و غیره را در بر می گیرد و همچنین گذشته از کارمندان دولت این ماده کارکنان شهرداری ها و مؤسسات وابسته را که یکی از انواع مؤسسات عمومی است نیز شامل می شود. به نظر برخی حقوقدانان اگر عبارت کارمندان دولت را شامل کلیه کسانی که تحت شمول قانون استخدام کشوری و سایر قوانین استخدامی از جمله قانون استخدام قضات بدانیم، کلیه مستخدمین دولت از جمله قضات و نیروی انتظامی در صورتی که به سبب انجام وظیفه و در اثر تقصیر خود اعم از عمد و بی احتیاطی، خسارتی به اشخاص وارد نمایند، شخصاً مسئول جبران خسارت خواهند بود. اما آنچه در این ماده و ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی قابل تأمل است کاربرد واژه بی احتیاطی در برابر عمد است. زیرا تقصیر اعم از عمد و خطاست. عناصر خطا نیز عبارتند از بی احتیاطی، بی مبالاتی و غفلت، بی دقتی، عدم رعایت مقررات دولتی و عدم مهارت.

به عبارت دیگر عناصر مشخص خطا از این موارد تشکیل می گردد که این عناصر از انواع مشخص و متمایز و مستقل خطا بوده و گروه خطاهای قانونی را بدون اینکه با یکدیگر مشتبه شوند، تشکیل می دهند.

حال اگر بنا به ظاهر مواد گفته شده، مبانی تقصیر را شامل عمد و بی احتیاطی تلقی کنیم. این امر صرف نظر کردن از بقیه عناصر خطا خواهد بود. مثلاً اگر مأموری در انجام وظایف محوله بی احتیاطی کند فرضاً ماشین دولتی را در جاده لغزنده و یخبندان بدون استفاده از زنجیر چرخ و سایر وسایل ایمنی به حرکت در آورد و نهایتاً در اثر بی احتیاطی به شخص دیگری و خود ماشین صدمه وارد آید، مأمور مسئول جبران خسارت وارده خواهد بود.^۱

^۱ - جهت مطالعه بیشتر رجوع کنید به: عباسلو، بختیار، مسئولیت مدنی، انتشارات میزان، تهران، چاپ دوم، ۱۳۹۴. و عباسلو، بختیار، مسئولیت مدنی ضابطین دادگستری، فصلنامه دانش انتظامی، تابستان ۱۳۸۹، دوره ۱۲، شماره ۲.